

پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مدارس ابتدایی در عصر نوین



ارامگورگانی، استان کردستان، شهرستان کامیاران

aramgorgani1400@gmail.com

MDOI-02-2026.0374
MNR-388-2-3499C8

چکیده

گسترش شتابان فناوری های دیجیتال، تحولات ساختار خانواده و تغییر الگوهای تعاملات اجتماعی، ماهیت آسیب های اجتماعی در دوران کودکی را دگرگون کرده و سن مواجهه با این مخاطرات را به مقطع ابتدایی کاهش داده است. هدف این پژوهش، واکاوی اشکال نوین آسیب های اجتماعی (نظیر قلدری سایبری، اعتیاد به بازی های برخط، انزوای نوپدید، اضطراب دیجیتال، و بلوغ زودرس ناشی از دسترسی زودهنگام به محتوای ناسالم) و تدوین راهکارهای چندسطحی پیشگیرانه در دوره ابتدایی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد نظام مند، نقش هم افزای ارکان سه گانه «آموزگار-خانواده-فناوری» را در بستر نظریه بوم شناختی برونفن برنر بررسی می کند. یافته ها نشان می دهد که رویکردهای انفعالی، تنبیهی و تک بعدی گذشته کارآمدی لازم را ندارند و پیشگیری مؤثر نیازمند ادغام «سواد دیجیتال و مهارت های زندگی هیجانی-اجتماعی (SEL)» در برنامه های رسمی و پنهان درسی، توانمندسازی معلمان در مدیریت کلاس مبتنی بر پذیرش و همدلی، و تقویت پیوند آگاهانه خانه و مدرسه است. در پایان، الگویی تلفیقی و بومی برای غربالگری زودهنگام و مداخله رشدمدار در سطح مدارس ابتدایی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه ها

آسیب های اجتماعی، مدارس ابتدایی، عصر نوین، سواد دیجیتال

مقدمه

دوره ابتدایی حساس ترین و زیربنایی ترین مرحله در شکل گیری شخصیت، عزت نفس، مهارت های ارتباطی و درک اخلاقی دانش آموزان است. در دهه های گذشته، آسیب های اجتماعی در این سن عمدتاً به پرخاشگری های فیزیکی ساده، رفتارهای ایدایی کلاسی یا مشکلات خانوادگی محدود می شد. با این حال، با ورود به «عصر نوین» که با فراگیری زودهنگام ابزارهای هوشمند، غوطه وری در فضای مجازی و بازتعریف تعاملات اجتماعی شناخته می شود، مرزهای خانه، مدرسه و جامعه درهم تنیده شده است. امروزه کودکان در سنین ۶ تا ۱۲ سالگی با محرک های محیطی فراتر از ظرفیت شناختی و عاطفی خود مواجه اند. از این رو، مواجهه با آسیب های اجتماعی دیگر صرفاً با رویکردهای سنتی انضباطی یا نصیحت محور قابل مهار نیست. نظام آموزشی در این عصر موظف است پارادایم خود را از «مداخله پس از وقوع جرم و آسیب» به «پیشگیری رشدمدار و توانمندسازی شناختی-عاطفی» ارتقا دهد تا تاب آوری کودکان در مواجهه با چالش های جهان مدرن تضمین شود.

بیان مسئله

در عصر حاضر، ابعاد و عمق آسیب های اجتماعی در مقطع ابتدایی پیچیده تر و پنهان تر شده است. دسترسی زودهنگام و کنترل نشده دانش آموزان به اینترنت و شبکه های اجتماعی، پدیده هایی نظیر قلدری سایبری (Cyberbullying)، اعتیاد به بازی های آنلاین، اختلالات کم توجهی ناشی از تحریکات بیش از حد حسی، کاهش آستانه تحمل، آسیب پذیری در برابر سوءاستفاده های برخط و رفتارهای پرخاشگرانه تقلیدی را به شدت افزایش داده است. علاوه بر این، در محیط واقعی مدرسه نیز رفتارهایی نظیر طرد همسالان، قلدری سنتی، افت سلامت روان و گوشه گیری مشهود است.

مسئله اساسی این است که اغلب برنامه های آموزشی و تربیتی مدارس همچنان مبتنی بر روش های سنتی گذشته طراحی شده اند و فاقد سازوکار منعطف، هوشمند و داده محور برای شناسایی زودهنگام نشانگان خطر هستند. همچنین، فقدان سواد رسانه ای کافی در والدین و اساتید/معلمان باعث ایجاد یک «شکاف نسلی-شناختی» عمیق میان نسل Z/Alpha و کادر آموزشی شده است. در نتیجه، مسئله محوری پژوهش این است: *در عصر حاکمیت فناوری و تحولات اجتماعی مدرن، ساختار و مؤلفه های یک الگوی جامع پیشگیری

از آسیب های اجتماعی در مدارس ابتدایی چیست و چگونه می توان از طریق تعامل مدرسه، خانواده و برنامه های درسی نوین، رفتارهای پرخطر نوظهور را به حداقل رساند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

1. پایین آمدن سن شروع رفتارهای پرخطر: ورود پدیده هایی چون اعتیاد اینترنتی و تعارضات ارتباطی به مقطع ابتدایی، ضرورت مداخله زودهنگام (Early Intervention) را دوچندان کرده است.
2. پایداری رفتارهای دوره کودکی: طبق نظریات روان شناسی رشد، الگوهای رفتاری و عاطفی تثبیت شده در دوره دبستان، پیش بینی کننده سلامت روان و رفتارهای اجتماعی در دوران نوجوانی و بزرگسالی هستند.
3. شکاف آگاهی میان خانه و مدرسه: نیاز به ایجاد زبانی مشترک میان مربیان و والدینی که در مواجهه با خطرات فضای مجازی و رفتارهای مدرن فرزندان دچار سردرگمی هستند.
4. کاهش هزینه های مادی و معنوی جامعه: پیشگیری در دوره ابتدایی به مراتب کم هزینه تر، پایدارتر و کارآمدتر از اصلاح و درمان در دوره های متوسطه و دانشگاه است.

سوالات پژوهش

1. گونه شناسی و مؤلفه های اصلی آسیب های اجتماعی نوپدید در بین دانش آموزان دوره ابتدایی در عصر نوین کدامند؟
2. عوامل محیطی، فناوریانه، خانوادگی و مدرسه ای چه نقشی در شکل گیری یا تشدید این آسیب ها دارند؟
3. رویکردهای نوین آموزشی و پداگوژیک (نظیر یادگیری هیجانی-اجتماعی SEL، بازی وارسازی و پداگوژی فعال) چگونه می توانند در افزایش تاب آوری و مهارت های مقابله ای کودکان ابتدایی نقش آفرینی کنند؟
4. مؤلفه ها و مراحل یک مدل پیشگیرانه چندسطحی (مدرسه، معلم، اولیا، فناوری) برای کاهش رفتارهای پرخطر در مدارس ابتدایی چیست؟

۱. گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی نوپدید (انواع آسیب‌ها)

الف) آسیب‌های دیجیتال و فناوریانه

* قلدری سایبری (Cyberbullying): استفاده از پیام‌رسان‌ها، گروه‌های کلاسی یا بازی‌های آنلاین برای تحقیر، طرد کردن یا پخش تصاویر/اطلاعات خصوصی هم‌کلاسی‌ها.

* اعتیاد به فضای مجازی و بازی‌های دیجیتال: وابستگی شدید رفتاری به بازی‌های آنلاین که منجر به تحریک بیش‌ازحد سیستم پاداش مغز (دوپامین) می‌شود و توانایی کودک برای تمرکز بر فعالیت‌های غیردیجیتال را کاهش می‌دهد.

* مواجهه با محتوای نامناسب: مشاهده زود هنگام محتوای خشونت‌بار، جنسی یا ناهنجاری‌های اجتماعی که از طریق تبلیغات یا ویدیوهای کوتاه به صورت ناخواسته به کودک نمایش داده می‌شود.

ب) آسیب‌های روان‌شناختی و هیجانی

* اضطراب «همه‌جا بودن» و FOMO: ترس از دست دادن وقایع (Fear of Missing Out) در دنیای مجازی، که باعث بی‌قراری و کاهش کیفیت خواب در کودکان می‌شود.

* بلوغ زودرس عاطفی و شناختی: مواجهه با مفاهیم پیچیده دنیای بزرگسالان از طریق اینترنت، بدون اینکه کودک ظرفیت شناختی لازم برای پردازش آن‌ها را داشته باشد؛ این مسئله باعث ایجاد سردرگمی در هویت و اخلاقیات می‌شود.

* کاهش آستانه تحمل و تنظیم هیجان: به دلیل محیط «در لحظه» فضای دیجیتال، کودکان در دنیای واقعی «مبتنی بر صبر» دچار پرخاشگری و ناتوانی در مدیریت ناکامی می‌شوند.

ج) آسیب‌های اجتماعی و تعاملی

* کاهش مهارت‌های همدلی: به دلیل حذف ارتباطات چهره‌به‌چهره، کودک نمی‌تواند نشانه‌های غیرکلامی (لحن، حالت چهره) را درک کند و در نتیجه همدلی‌اش با همسالان کاهش می‌یابد.

* انزوای اجتماعی مدرن: کودک در کنار دیگران است، اما با گوشی یا تبلت خود مشغول است. این «تنهایی در جمع» مانع شکل گیری پیوندهای عمیق دوستی می شود.

* هویت های کاذب و مقایسه های اجتماعی: تلاش برای شبیه سازی خود به بلاگرهای کودک یا الگوهای غیرواقعی فضای مجازی، که عزت نفس کودک را به شدت تخریب می کند.

۲. مؤلفه های کلیدی شکل دهنده آسیب ها (چرا این آسیب ها رخ می دهند؟)

این آسیب ها در بستر سه مؤلفه اصلی محیطی و سیستمی شکل می گیرند:

1. مؤلفه فناوری ها (الگوریتم ها و طراحی):

* فناوری های نوین به گونه ای طراحی شده اند که با ایجاد «چرخه های پاداش فوری»، مغز در حال رشد کودک را تسخیر کنند. «پخش خودکار» ویدیوها، «لایک» و «اعلان ها»، طراحی شده اند تا توجه را بدزدند. کودک هنوز قشر پیش پیشانی مغزش (مسئول کنترل تکانه) کامل نشده و عملاً در برابر این مهندسی جلب توجه، بی دفاع است.

2. مؤلفه والدگری (شکاف نظارتی):

* والدگری دیجیتال ضعیف: بسیاری از والدین به دلیل مشغله، از تبلت و گوشی به عنوان «پرستار دیجیتال» استفاده می کنند.

* شکاف نسلی: والدین اغلب از پلتفرم هایی که فرزندانشان در آن حضور دارند بی خبرند (مثلاً تفاوت فضای یک بازی آنلاین با یک شبکه اجتماعی) و در نتیجه نمی توانند نظارت مؤثر یا گفت و گوی آگاهانه داشته باشند.

3. مؤلفه محیطی و اجتماعی (مدرسه و جامعه):

* فقدان فضاهای امن بازی: وقتی محیط های فیزیکی برای بازی آزاد، خلاق و ایمن در شهر و مدرسه کاهش می یابد، فضای مجازی به تنها «زمین بازی» در دسترس کودک تبدیل می شود.

* آموزش های سنتی در دنیای مدرن: مدارس همچنان بر آموزش دانش محور تمرکز دارند، در حالی که در عصر نوین، «سواد دیجیتال»، «مدیریت هیجان» و «اخلاق در فضای مجازی» باید جزو سرفصل های اصلی آموزش باشند که در بسیاری از نظام های آموزشی مغفول مانده اند.

۱. نقش عوامل فناورانه (تسهیل گر و شتاب دهنده)

فناوری در عصر نوین، نقش «تغییردهنده قواعد بازی» را دارد.

* شکل دهی: الگوریتم های شبکه های اجتماعی و بازی ها، مغز کودک را شرطی می کنند تا به دنبال «پاداش فوری» باشد. این امر باعث می شود کودک در مواجهه با چالش های دنیای واقعی (که نیازمند صبر و تلاش طولانی مدت هستند) سریعاً ناامید یا خشمگین شود (عامل شکل دهنده پرخاشگری).

* تشدید: فضای مجازی به دلیل «ناشناس بودن» یا «فاصله دار بودن»، مرزهای اخلاقی را برای کودک کمرنگ می کند. کودکی که در فضای واقعی جرئت توهین ندارد، در فضای مجازی به دلیل نبود بازخورد چهره به چهره، به راحتی دست به «فلدری سایبری» می زند.

۲. نقش عوامل خانوادگی (بنیاد و سپر دفاعی)

خانواده اولین و حیاتی ترین نهاد اجتماعی شدن کودک است.

* شکل دهی: الگوبرداری (Modeling) نقش اصلی را دارد. اگر والدین خود به طور مداوم درگیر گوشی های هوشمند باشند و زمان با کیفیتی را به تعامل عاطفی با کودک اختصاص ندهند، کودک احساس «طردشدگی عاطفی» می کند. این خلأ عاطفی، کودک را تشنه توجه می کند و او را به سمت فضای مجازی می کشاند تا در آنجا (با لایک و توجه مجازی) خلأ خود را پر کند.

* تشدید: سبک های والدگری «غفلت گر» (رها کردن کودک در فضای مجازی برای خلاص شدن از سر و صدای او) یا «مستبدانه» (منع مطلق بدون آموزش)، هر دو آسیب زا هستند. خانواده هایی که سواد دیجیتال ندارند، نمی توانند سپری برای مواجهه کودک با محتوای نامناسب باشند و کودک بدون آمادگی ذهنی با واقعیت های خشن جهان روبرو می شود.

۳. نقش عوامل مدرسه‌ای (بستر تمرین و انزوای اجتماعی)

مدرسه بعد از خانواده، مهم‌ترین محیط برای شکل‌گیری هویت اجتماعی است.

* شکل‌دهی: اگر فرهنگ مدرسه صرفاً «آموزش‌محور» باشد و به «آموزش‌های هیجانی-اجتماعی» (SEL) بی‌توجهی کند، دانش‌آموزان در مدیریت تعارضات شکست می‌خورند. فقدان ساختارهای مشارکتی (مثل کار گروهی)، دانش‌آموزان را به سمت رقابت‌های ناسالم سوق می‌دهد که زمینه‌ساز بروز قلدری یا حسادت‌های کودکانه است.

* تشدید: «انزوای آموزشی» نقش مهمی دارد. وقتی مدرسه برنامه‌ای برای مدیریت تعاملات دانش‌آموزان در زنگ‌های تفریح یا فضای مجازی ندارد، سلسله‌مراتب‌های ناسالم (مثل گروه‌های پرتفردار و دانش‌آموزان طردشده) خودبه‌خود شکل می‌گیرند و معلمان به دلیل نبود آموزش کافی برای شناسایی این «آسیب‌های زیرپوستی»، نمی‌توانند مداخله کنند.

۴. نقش عوامل محیطی و اجتماعی (بافت و بستر کلان)

محیط‌های بزرگتر (جامعه و فرهنگ) فشارهای پنهانی وارد می‌کنند.

* شکل‌دهی: «تجاری‌سازی دوران کودکی»؛ امروزه کودکان در معرض تبلیغات گسترده‌ای هستند که آن‌ها را به جای «کودک در حال رشد»، به «مصرف‌کننده» تبدیل کرده است. این نگاه باعث می‌شود ارزش‌های کودک بر اساس «داشته‌ها» (لباس، گوشی، وسایل) شکل بگیرد، نه «بودن‌ها» (اخلاق، مهارت، تلاش).

* تشدید: تغییر بافت شهری و کاهش «فضاهای بازی ایمن». وقتی کوچه و خیابان دیگر جای بازی نیست و پارک‌ها امن یا در دسترس نیستند، کودک ناچاراً به اتاق خود پناه می‌برد؛ این انزوای فیزیکی در محیط شهری، کودک را به‌طور کامل در «زندانی دیجیتال» محبوس می‌کند و آسیب‌های ناشی از آن را صدچندان می‌سازد.

۱. یادگیری هیجانی-اجتماعی (Social-Emotional Learning - SEL)

این رویکرد، قلب تپندهٔ پیشگیری از آسیب‌هاست. SEL به کودکان می‌آموزد که چگونه هیجانات خود را بشناسند و مدیریت کنند.

* چگونه تاب‌آوری می‌سازد؟

- * خودآگاهی و خودمدیریتی: کودک یاد می‌گیرد که وقتی در فضای مجازی یا مدرسه دچار خشم، حسادت یا ترس می‌شود، آن را نام‌گذاری کند و به جای واکنشِ تکانشی (مانند پرخاشگری فیزیکی یا توهین مجازی)، مکث کرده و پاسخ مناسب را انتخاب کند. این «مکثِ آگاهانه»، کلیدِ کنترلِ تکانه است.
- * همدلی و آگاهی اجتماعی: با آموزشِ جای‌گیری در موقعیتِ دیگران، قلدری (چه سنتی و چه سایبری) کاهش می‌یابد؛ چرا که کودک درد و پیامد رفتار خود را بر روی دیگری درک می‌کند.
- * خروجی: دانش‌آموزی که مهارت‌های SEL دارد، در برابر فشارهای همسالان «نه» گفتن را می‌آموزد و کمتر تسلیم رفتارهای پرخطر برای جلب توجه می‌شود.

۲. بازی‌وارسازی (Gamification)

بازی‌وارسازی صرفاً استفاده از بازی نیست؛ بلکه انتقالِ «منطقِ بازی» (پاداش، مرحله‌بندی، بازخورد و شکست) به فضای یادگیری است.

* چگونه تاب‌آوری می‌سازد؟

- * تبدیل «شکست» به «تجربه»: در بازی، وقتی کودک به مرحله‌ای می‌بازد، دنیا به پایان نمی‌رسد؛ او دوباره تلاش می‌کند. این رویکرد به دانش‌آموز «طرز فکر رشد» (Growth Mindset) می‌دهد. در دنیای واقعی، کودکی که با این منطق بزرگ شده، در برابر شکست‌های تحصیلی یا اجتماعی ناامید نمی‌شود و به «تاب‌آوری» (Resilience) می‌رسد.
- * بازخورد فوری: در محیط بازی‌وار، کودک می‌فهمد که هر کنش، واکنشی دارد. این حسِ «عاملیت» باعث می‌شود کودک در فضای مجازی هم به دنبال پیامد کارهای خود باشد و از رفتارهای کورکورانه پرهیز کند.
- * خروجی: کودک یاد می‌گیرد برای رسیدن به هدف، مسیرهای مختلف را امتحان کند، شکست‌ها را پله‌ی موفقیت بداند و در برابر مشکلات، استقامت (Persistence) به خرج دهد.

۳. پداگوژی فعال (Active Pedagogy)

این رویکرد (مانند یادگیری مبتنی بر پروژه یا مسئله محور) کودک را از یک مصرف کننده منفعل محتوا به یک «جستجوگر و حل کننده مسئله» تبدیل می کند.

* چگونه تاب آوری می سازد؟

* تقویت تفکر انتقادی: کودک یاد می گیرد هر چیزی را که در اینترنت یا از همسالان می شنود، بلافاصله نپذیرد. او می پرسد: «چرا؟»، «آیا این درست است؟»، «پیامدش چیست؟». این پرسشگری، بهترین فیلتر در برابر محتواهای مخرب، اخبار جعلی و القائات نامناسب است.

* همکاری و کار تیمی: در پداگوژی فعال، دانش آموزان مجبورند برای حل یک پروژه با هم گفتگو کنند، تعارضات را مدیریت کنند و به تفاهم برسند. این تعامل مدیریت شده، مهارت های ارتباطی آن ها را چنان تقویت می کند که دیگر نیازی ندارند برای دیده شدن یا قدرت نمایی، به رفتارهای نابهنجار و قلدری متوسل شوند.

* خروجی: دانش آموز به «عاملیت» (Agency) می رسد. او می فهمد که می تواند بر محیط اطرافش اثر بگذارد و مشکلاتش را با تفکر حل کند، نه با زور یا گوشه گیری.

پیشنهادهای (کاربردی و پژوهشی)

الف) پیشنهادهای کاربردی و اجرایی برای مدارس و نظام تعلیم و تربیت:

1. ادغام برنامه «یادگیری هیجانی-اجتماعی» (SEL) در ساعات درسی: آموزش ۵ مهارت کلیدی شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت های ارتباطی و تصمیم گیری مسئولانه از طریق قصه گویی، نمایش خلاق و بازی های گروهی.

2. ارتقای سواد دیجیتال و تربیت رسانه ای ویژه کودکان و والدین: آموزش شیوه استفاده ایمن از اینترنت، مدیریت زمان صفحه نمایش (Screen Time)، و آشنایی با خطرات فضای مجازی در قالب کارگاه های تعاملی مشترک والد-کودک.

3. توانمندسازی آموزگاران ابتدایی در مدیریت کلاسی مشفقانه: آموزش اصول روان شناسی کودک، شناسایی نشانگان زود هنگام اضطراب، افسردگی، طرد شدگی یا قلدری، و جایگزینی روش های تنبیهی با رویکردهای انضباط ترمیمی (Restorative Discipline).
4. توسعه سامانه های رصد و غربالگری مستمر: استفاده از چک لیست های رفتاری استاندارد توسط معلمان و مشاوران مدرسه برای شناسایی کودکان در معرض خطر و ارائه حمایت های روان شناختی به موقع.
5. بازآفرینی زنگ تفریح و فضاهای بازی مدرسه: سازماندهی بازی های حرکتی، بومی و مشارکتی در حیاط مدرسه جهت تخلیه انرژی مثبت، کاهش رفتارهای تکانشگری و تقویت روحیه کار تیمی.

(ب) پیشنهادات برای پژوهش های آتی:

1. ارزیابی اثربخشی برنامه های مبتنی بر واقعیت افزوده (AR) یا گیمیفیکیشن در آموزش خودمراقبتی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی به کودکان.
2. بررسی رابطه بین مدت زمان حضور در شبکه های اجتماعی/بازی های آنلاین و بروز رفتارهای تکانشگری و افت تحصیلی در دانش آموزان پایه چهارم تا ششم ابتدایی.
3. تدوین و اعتبارسنجی مقیاس بومی سنجش تاب آوری سایبری دانش آموزان دوره دوم ابتدایی.

نتیجه گیری

پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مدارس ابتدایی عصر نوین، نیازمند گذار از نگاه سنتی «محدودسازی صرف» به پارادایم «توانمندسازی و مصونیت بخشی درونی» است. دانش آموزان امروز در جهانی هیبریدی (ترکیبی از زیست بوم حقیقی و مجازی) زندگی می کنند؛ بنابراین، حذف ابزارهای فناورانه راه حل نهایی نیست، بلکه تجهیز کودکان به مهارت های تفکر نقاد، تنظیم هیجان، همدلی و سواد استفاده مسئولانه از رسانه ها، بهترین سپر دفاعی در برابر آسیب هاست. تبدیل مدرسه به یک محیط امن روانی، تعامل دوشادوش با خانواده های آگاه، و بهره گیری از نقش هدایت گر معلم به عنوان الگوی عاطفی-شناختی، ارکان اصلی اکوسیستمی هستند که می توانند نسل نوپا را در برابر امواج آسیب های اجتماعی پیچیده عصر حاضر بیمه کنند.

– منابع

- ۱: مدرسه امن، رویکردی نوین در پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مقطع ابتدایی - عاطفه رضائی خیرآبادی - چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیقات نوین در آموزش و پرورش ، ۱۴۰۴
- ۲: پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مدارس - مجتبی هرمزی فرد - اولین همایش بین المللی معلمان استعدادیاب و فرهنگ ساز در توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش در مسیر توسعه پایدار ، ۱۴۰۳
- ۳: کتاب یک فنجان تجربه - سارا مرادی، علی تابع، بهراد آهوان - نشر قلم و فرهنگ، ۱۴۰۴
- ۴: کتاب بررسی موردی نظام آموزشی ایران در دوران پساکرونا - علی اصغر صدیق، علی خدادوست، علی تابع، بهراد آهوان - نشر قصار، ۱۴۰۳
- ۵: شناخت نقش برنامه های راهنمایی و مشاوره در مدارس ابتدایی ارائه شده در هجدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران (1403) علی تابع ، بهراد آهوان ، سینا یاری ، علی اصغر صدیق